

عرصه سیمرغ

محرّم رضایتی کیشه‌خاله (دانشگاه گیلان)

نقدی بر: فرهنگ تطبیقی تالشی، تاتی، آذری، علی عبدلی، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۸۰، ۴۶۷ صفحه.

علی عبدلی از قلم‌زنان پرکار تالشی است که تا به حال تألیفات متعددی از ایشان در موضوعات مختلف تالش‌شناسی به چاپ رسیده است. این کتاب، آخرین اثر او و شامل هفت بخش است.

بخش اول مقدمه و کتاب‌شناسی، شامل پیش‌گفتار، مقدمه، منابع زبان تالشی، تاتی، آذری و، همچنین، راهنمای آوانگاری است. بخش دوم دربارهٔ دستور، بخش سوم واژه‌نامه تالشی-تاتی، بخش چهارم واژه‌نامه آذری، بخش پنجم نمایه واژگان لنکرانی، بخش ششم نمایه واژگان تاتی و آخرین بخش شامل امثال و حکم است.

هرچند این کتاب آخرین اثر مؤلف است و به قول خود او پس از گذران ۲۳ سال تجربهٔ فعالیت‌های پژوهشی به صورت تخصصی در زمینهٔ تات و تالش‌شناسی نوشته شده، متأسفانه از جهات مختلف، از جمله: ساخت اثر، شیوهٔ تحقیق، کیفیت توصیف، کمیت مواد، صحت مطالب و جز آن اشکالات و کاستی‌های فراوان دارد.

این اثر، چنان‌که خود مؤلف نیز اشارت نموده، صورت پیراسته و کاملی است از کتاب دیگر وی با نام فرهنگ تاتی و تالشی که در سال ۱۳۶۳ در ۱۷۰ صفحه به طبع رسید و در همان سال به اختصار معرفی و نقد شد^۱. هر دو کتاب به معنای حقیقی، آثار

(۱) علی‌اشرف صادقی، «فرهنگ تاتی و تالشی»، مجلهٔ زبان‌شناسی، س ۱، ش ۲، ۱۳۶۳، ص ۱۰۹.

زبان‌شناسی محسوب نمی‌شوند. زبان‌شناسی علمی است با نگرش‌ها، روش‌ها و ابزارهای مشخص که متأسفانه پژوهش‌های زبانی نویسنده فاصله زیادی با آن دارد. در بخش اول، مؤلف بر اساس آثار ترجمه شده روسی و برخی منابع ایرانی، درباره پیشینه تاریخی تات و تالش، پراکندگی جغرافیایی، آمار جمعیت و موقعیت زبانی آنها، کم و بیش مطالبی آورده و سعی کرده است صرفاً از رهگذر مقایسه ساده تعدادی لغات تاتی و تالشی با واژه‌های همانند خود در زبان‌های پهلوی و اوستایی، به ارتباط و پیوستگی آنها با زبان‌های باستانی و میانه تأکید کند. نکات قابل ذکر در این بخش عبارت‌اند از:

۱. مقدمه حاوی نکات تازه و ارزشمندی از مسائل گویش‌های تالشی و تاتی نیست. بیش از دو سوم آن عیناً از دیگران اقتباس گردیده و یک سوم بقیه نیز جز چند صفحه، غالباً تکرار همان سخنانی است که در دیگر آثار ایشان دیده می‌شود.
۲. امانت در نقل برخی از مراجع رعایت نشده است. مثلاً در ص ۲۵ مطالبی از ترجمه تاریخ ماد نقل گردیده، اما در پانوشت به کتاب روسی میلر با ذکر صفحه، ارجاع داده شده است!
۳. به جز تحقیق این حقیر، «توصیف گویش تالشی» که به غلط در این کتاب نام دستور زبان فارسی پیدا کرده، بسیاری از آثار و پژوهش‌های ارزشمند، با بی‌مهری، به غرض عین دچار آمده‌اند. در سال‌های اخیر درباره زبان‌شناسی تالشی، پژوهش‌های ارزشمندی، به‌ویژه در دانشگاه‌ها، صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد

۱. بررسی گویش تالشی (دهستان خوشابر)، حمید حاجت‌پور، به راهنمایی دکتر علی‌اشرف صادقی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۶۹.
۲. بررسی گویش تالشی (دهستان طاسکوه ماسال)، مهرداد نغزگوی کهن، به راهنمایی دکتر علی‌محمد حق‌شناس، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۳. فرهنگ البسه تالش، ابراهیم خادمی ارده، به راهنمایی دکتر اسماعیل حاکمی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۷۶.
۴. بررسی گویش تالشی عنبران، ربابه امیریان، به راهنمایی دکتر ایران کلباسی، دانشگاه

آزاد اسلامی تهران، ۱۳۸۰.

۵. بررسی عناصر واج‌شناختی گویش تالشی، شهین شیخ‌تجن، به راهنمایی دکتر محمود بی‌جن‌خان، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

ب) مقالات

۱. «توصیف ساختمان دستگاه فعل در گویش تالشی (دهستان طاسکوه ماسال)»، مهرداد نغزگوی کهن، مجلهٔ زبان‌شناسی، س ۱۱، ش ۱، ۱۳۷۳، ص ۳۸-۵۷.
۲. «گویش تالشی»، حمید حاجت‌پور، مجلهٔ زبان‌شناسی، س ۱۲، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۴، ص ۹۶-۱۱۲.
۳. «واژه‌های تالشی در برنج‌کاری»، شهرام آزموده، گیله‌وا، س ۳، ۱۳۷۳، ص ۴۱-۴۲.
۴. «نام‌های تالشی پرندگان»، شهرام آزموده، گیله‌وا، س ۵، ۱۳۷۵، ص ۴۵.
۵. «واژگان تالشی در پرورش گاو و گوسفند»، شهرام آزموده، نقش‌قلم، ۱۳۷۵، ص ۴.
۶. «گسترده‌ی واژگان تالشی (۱)»، فرامرز مسرور ماسالی، آوای شمال (ویژهٔ تالشی‌ها)، ۱۳۷۶، ص ۶-۷.
۷. «گسترده‌ی واژگان تالشی (۲)»، فرامرز مسرور ماسالی، آوای شمال (ویژهٔ تالشی‌ها)، ۱۳۷۷، ص ۹.
۸. «واژه‌های تالشی در شالی‌کاری»، تیمور وقاصی لمر، آوای شمال (ویژهٔ تالشی‌ها)، ۱۳۷۷، ص ۹.
۹. «نام‌های تالشی»، شهرام آزموده، آوای شمال (ویژهٔ تالشی‌ها)، ۱۳۷۷، ص ۵-۶.
۱۰. «آوای واژگان»، ن. پورمحمدی املشی، آوای شمال (ویژهٔ تالشی‌ها)، ۱۳۷۸، ص ۱۶-۱۷.
۱۱. «واکه‌های زبان تالشی»، علی رفیعی و معصومه میرزاجان، هفته‌نامهٔ نقش‌قلم (ویژهٔ تالش‌شناسی)، ش ۳، ۱۳۸۰، ص ۳-۸.

ج) نشریات

۱. گاهنامهٔ ویژهٔ تالشی‌ها که شش شمارهٔ آن از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به همت آقای

شهرام آزموده منتشر گردیده است.

۲. گاهنامه تالش‌شناسی که از سال ۱۳۷۹ تا به حال پنج شماره آن به کوشش محقق جوان، شهرام آزموده به طبع رسیده است.

اگر از چند اثر که در سال ۱۳۸۰ نوشته شده است درگذریم، مؤلف محترم می‌توانست با ذکر بقیه این آثار در ردیف منابع تالش‌شناسی موجود، برای آثار پژوهندگان جوان و، در عین حال، بی‌ادعای این عرصه نیز ارج و منزلتی شایسته قائل شود. به‌ویژه با گذشتن از توهم «پایه‌گذاری تالش‌شناسی در ایران» و مطالعه حداقل برخی از آثار این بزرگواران، که با راهنمایی استادان بزرگ زبان‌شناسی کشور فراهم آمده است، می‌توانست بخشی از اشتباهات و کاستی‌های کتاب خود را از میان بردارد. در پایان این بخش، راهنمای آوانگاری با شیوه‌ای کاملاً منسوخ و غیرعلمی آمده است. مثلاً در توصیف مصوت‌ها چنین نوشته است:

آی ä «آ» منتهی به «ای» در «بال» = لفظ خواندن گاومیش در تالشی
ئ Σ صدایی بین «ه» و «ا» در «زوا» = پسر تالشی

شیوه آوانگاری این کتاب، نه تنها روشن‌گر نیست، بلکه گمراه‌کننده است. بخش دوم کتاب نیز، که به دستور گویش‌های تاتی و تالشی اختصاص دارد، فاقد توصیفی روشمند است. جز یکی دو مورد، اصلاً به مباحث نحوی اشارتی نشده است. مسائل صرفی، هم محدود است و هم غالباً اشتباه توصیف شده است. در تقسیم‌بندی مقولات صرفی نیز، ملاک خاصی دیده نمی‌شود، مثلاً از پیشوندهای فعل‌ساز شروع شده و به حرف‌واژه‌ها پایان یافته است. در میان این بخش ناگهان به مقایسه آوایی تاتی-تالشی با فارسی و به قول مؤلف ساخت‌شناسی کسره و فتحه و اضافه (ص ۸۹) برمی‌خوریم! در این بخش چند لهجه تالشی نیز از جمله تالشدولایی، خوشابری و لوندویلی با تاتی کلوری در مقولاتی نظیر پیشوندهای فعلی صرف افعال، وندها، نشانه‌های جمع، ضمائر، حرف واژه‌ها و... اجمالاً مقایسه شده‌اند. در ص ۶۶ کتاب، نویسنده محترم درباره پیشوندهای فعلی می‌نویسد:

۱. در تالشی میانی و جنوبی، پیشوندها در (pê- vi- da- â-) منحصر است.

۲. چون «/ji/» محدودیت کاربرد دارد و برعکس چهار پیشوند یاد شده، گاه فعل‌ها را از حوزه معنایی آنها خارج و بیانگر مفهوم متفاوتی می‌نماید و گاه خود دستخوش تغییر

معنی می‌شود، به عنوان پیشوند به حساب نمی‌آید.

۳. «/â/» با برخی افعال مانند: کشتن، کشیدن، خریدن، گذاشتن و خواستن نمی‌آید. شایان ذکر است که در گویش تالشی، حداقل در حوزه تالشی جنوبی و میانی، علاوه بر چهار پیشوند مذکور، دو پیشوند فعلی دیگر (یعنی /ji/ و /bar/) هم وجود دارد. ضمناً، /ji/ نه تنها محدودیت کاربرد ندارد، بلکه در ساختمان حداقل چهل فعل تالشی آمده است. به علاوه، /bar/ نیز به عنوان پیشوند، در ساختمان حدود بیست فعل تالشی دیده شده است و هر دو پیشوند، هم‌ردیف با سایر پیشوندها در ساختمان فعل واحد، بارها به کار رفته‌اند، از جمله:

بلند کردن = *pe -karde* فرو ریختن = *vi -karde* به داخل انداختن = *da -karde*
 باز کردن = *â -karde* پهن کردن = *ji -karde* بیرون انداختن = *bar -karde*

بر خلاف پندار ایشان که /â/ با برخی از افعال مانند کشتن، کشیدن، خریدن، گذاشتن و خواستن نمی‌آید، شواهد زیر نشان می‌دهد که /â/، جز با «کشیدن»، با بقیه مصدرها آمده است:

آکشته = *â-kôšte* = جلوی حرکت چیزی را از بالا گرفتن
 آخاشته = *â-xâšte* = خواستن
 آنوئه = *â-noe* = گذاشتن، وصل کردن
 آخریه = *â-xôrye* = باز خریدن

نویسنده در مبحث صرف فعل مصدر دوختن = *dašte* را در زمان‌های مختلف ماضی، مضارع و آینده در لهجه‌های تالشدولایی، کلوری، خوشابری و لوندویلی در دو صیغه (اول شخص مفرد و جمع) با پیشوندهای چهارگانه صرف کرده و در پایان هر زمان، به نظر خود، شناسه‌های دوم شخص و سوم شخص مفرد را هم مشخص کرده است. نکته جالب آن است که در این قسمت مؤلف، مصدر دوختن = *dašte* را که قبلاً در فرهنگ تاتی و تالشی با ساخت اول شخص مجهول، فقط در یک زمان (ماضی نقلی) صرف کرده بود، بعد از گذشت هفده سال، در تألیف حاضر، با همان صیغه در اکثر زمان‌های گذشته صرف کرده است. برای نمونه به افعال زیر توجه کنید:

دوخته شدم! *dašta bima* (ص ۷۱)
 داشتم دوخته می‌شدم! *kâra dašta abima* (ص ۷۴)
 دوخته شده باشم! *dašta babâm* (ص ۷۲)

دوخته شده بودم! *derz-ist-a bima* (ص ۷۴)

بر فرض که چنین ساختی از فعل مجهول در تالشی وجود داشته باشد، صرف این فعل فقط در ساخت‌های سوم شخص مفرد بسنده می‌نمود.

دربارهٔ صرف فعل، چند مطلب قابل ذکر است:

۱. پی‌بست‌هایی که در زمان‌های ماضی متعدی به دنبال فعل یا دیگر اجزاء جمله می‌آیند و شخص و شمار را مشخص می‌کنند، شناسه نیستند، بلکه ضمایر متصل غیرصریح (غیرفاعلی) هستند. در تالشی، فعل‌های متعدی در زمان‌های گذشته، ساخت ارگتیو^۲ دارند. در چنین ساخت‌هایی، ارتباط فعل با مفعول، مستقیم و با فاعل (عامل)، غیرمستقیم است.

۲. نویسندهٔ محترم صرف مجهول فعل دوختن را تحت تأثیر زبان فارسی بر ساخته‌اند و در تالشدولایی اصلاً چنین صیغه‌ای وجود ندارد. برای ساخت فعل مجهول در تالشی دو راه وجود دارد:

الف) از صیغهٔ «سوم شخص جمع فعل متعدی» در زمان‌های مختلف استفاده می‌شود:

a-šun kōšt (او را کشتند) = او کشته شد

a-mun ba-kōština (آنها را می‌کشتند) = آنها کشته می‌شوند

ب) گاه به دنبال بن مضارع فعل، */ist/* اضافه می‌کنند و از آن، فعل مجهول در زمان‌های مختلف می‌سازند:

har-ist-a ba = harista ba خورده شده بود

ba-zer-ist-i = bazeristi پاره خواهد شد

در بخش مربوط به وندها، *ra* در مثال‌های زیر به عنوان میانوند معرفی شده است:

تالشدولایی: *â-ra-kar* = باز کننده

da-ra-neš = سوار شونده

da-ra-xun = صدازننده (ص ۸۷)

بر خلاف نظر مؤلف، در تالشی میانوند وجود ندارد. *r* در *ra* متعلق به پیشوند فاعلی بوده و *a* پیشوند فاعلی است. بنابراین، تقطیع تکواژها در کلمات بالا، به صورت زیر است:

dar - a - xun

dar - a - neš

âr - a - kar

درخور ذکر است که از لحاظ تاریخی، تمام پیشوندهای ششگانه تالشی، مختوم به /r/ بوده‌اند، اما به مرور /r/ از آخر آنها افتاده و فقط در پیشوند /bar/ باقی مانده است. البته امروزه در برخی از افعال، /r/ همچنان حفظ شده است:

وارد کردن = dar - varde پایین آوردن = vir - varde استفرغ کردن = âr - varde
 از بغل کشیدن = jir - varde بالا بردن = per - varde بیرون آوردن = bar - varde

مؤلف در توصیف نشانه‌های جمع /en/ و /un/ نیز دچار اشتباه فاحشی شده است. به‌طوری که آورده است: /un/ ... مفهوم اشاره به دور و غیبت را می‌رساند (ص ۹۷). مثال:

برو آن اسب‌ها را بیاور. ط. خو / bešn a asb-un beΣ (ص ۹۷)

در مورد /en/ نیز «مفهوم اشاره به نزدیک» را استنباط کرده است:

این اسب‌ها را تو آوردی؟ ط. خو / em asb-en te varda? (ص ۹۸)

حال آن که /en/ نشانه جمع فاعلی (صریح) و /un/ نشانه جمع غیرفاعلی (غیرصریح) است که به دنبال اسم مفرد مختوم به صامت می‌آید.

در جملات فوق، جای /a/ (اشاره به دور) و /om/ (اشاره به نزدیک) را به راحتی می‌توان تعویض کرد. ضمن آن که جمله دوم ساخت ارگنیو دارد و فعل آن باید به صورت جمع (vard-ina) بیاید تا با مفعول جمع خود که شکل فاعلی دارد، از نظر شمار، هماهنگ باشد.

هم‌چنان که دکتر علی‌اشرف صادقی در نقد فرهنگ تاتی و تالشی نوشته‌اند: ضمیر اول شخص مفرد در حالت فاعلی az و در حالت غیرفاعلی man است. اما مؤلف محترم، پس از گذشت حدود هفده سال، بدون تحقیق و تأمل در نظر استاد، همچنان در موارد کاربرد /az/ و /mon/ دچار سردرگمی است و موارد استفاده /az/ را منحصر در این صیغه (زمان)‌ها دانسته است: زمان گذشته: استمراری، نقلی مستمر، ملموس، ملموس مجهول، ... التزامی، مجهول، ... زمان حال: ساده، اخباری، التزامی، ملموس، ...، التزامی مجهول، ملموس مجهول، التزامی شرطی (ص ۱۰۷).

به این نکته نیز باید اشاره کرد که در تالشدولایی نه فقط ضمیر اول شخص مفرد، بلکه همه ضمایر منفصل و متصل شخصی، مانند اسم‌ها، حالت فاعلی و غیرفاعلی دارند.

ضمناً برخی از زمان‌ها را که مؤلف نام برده، از جمله: ملموس، ملموس مجهول، اخباری، التزامی شرطی و... به نظر نمی‌رسد در تالشی (حداقل تالشدولایی) وجود داشته باشد، ای کاش برای هر یک از این زمان‌ها، فعلی نیز مثال می‌آورد! متأسفانه اشکالات دستوری این کتاب، افزون‌تر از آن است که در یک گفتار بگنجد. دربارهٔ دیگر بخش‌ها، به‌ویژه بخش سوم (واژه‌نامهٔ تالشی-تاتی)، نیز یادداشت‌های پراکنده و مفصلی فراهم آمده است که سر و سامان بخشیدن به آنها فرصت دیگری می‌طلبد. در پایان، برای مؤلف پرکار این اثر، آرزوی توفیقات بیشتری دارم.

